

شیراز

تاریخچه ی اعلام موجودیت تشکل های صنفی معلمان ایران

شروع فعالیت تعدادی از تشکل های صنفی در روز جمعه ۱۳۸۰/۱۲/۱۷ در شهر شیراز بود که بدون وابستگی دولتی و حزبی حرکت جدیدی را در عرصه ی فعالیت صنفی آغاز کردند .

در گذشته فعالیت های صنفی معلمان ، زیرشاخه های احزاب سیاسی بودند و فعالیت مستقل نداشتند . اگر فعالیتی هم بود ، فراگیر نبود و خود را وامدار احزاب سیاسی و مسئولان دولتی می دانستند .

در شروع فعالیت جدید تشکل های صنفی بدون داشتن کم ترین امکانات مالی و دولتی ، فکر نمی کردند روزی برسد که در بیست و ششمین همایش آن ها بیش از ۳۰ تشکل عضویت داشته باشند . تشکل های صنفی با توجه به تجربه های گذشته که همواره معلمان ، بلکان ترقی احزاب و شخصیت ها بوده اند، اصولی را برای خود معین کردند که به موجب آن :

۱- وابستگی به احزاب سیاسی و دولت نداشته باشند و به عبارت دیگر مستقل باشند.

۲- اعضای هیئت مدیره و دبیرخانه مرکزی تشکل های صنفی حق گرفتن هیچ گونه بست و مقام دولتی را نداشته باشند و هر زمان مشخص گردد یکی از اعضای هیئت مدیره ی تشکل ها دارای سمت دولتی است از هیئت مدیره اخراج می گردد. این تصمیم به این جهت گرفته شد که قدرت نقد و نظارت تشکل ها ضعیف نگردد.

از حضور افراد سودجویی که قصد گرفتن مقامات بالا در آموزش و پرورش را دارند ، نتوانند تشکل های صنفی را بلکان ترقی نمایند .

در حدود پنج سال فعالیت ، تشکل های صنفی با شعار " نه چپیم نه راستیم - معلم ، معلم " استقلال خود را اعلام نموده اند و هزینه های سنگینی از احزاب چپ و راست متحمل شده اند.

مرزبندی بین فعالیت حزبی و صنفی در بین نهادهای مدنی سایر کشورها ، جایگاه و نقش خاص خود را دارد . احزاب برای رسیدن به قدرت سیاسی فعالیت می کنند ولی تشکل ها و نهادهای مدنی برای اهداف و خط مشی صنفی خود تلاش می نمایند . قصد آن داریم در هر شماره بیانیه ی گردهمایی تشکل های صنفی معلمان را در هفته نامه " قلم معلم " چاپ نمائیم . از همکاران ، مسئولان و دست اندرکاران نهادهای مدنی تقاضا داریم بیانیه هارا با توجه به زمان و مکان خودش مورد نقد و بررسی قرار دهند تا چراغ راهی باشد برای ادامه ی فعالیت تشکل های صنفی معلمان .



بیانیه ی شماره یک - " شیراز " ۸۰/۱۲/۱۷

اولین بیانیه تشکل های فرهنگیان در شیراز

با اهداء سلام و تحیات به محضر فرهنگیان آزاد اندیش عدالت خواه ما نمایندگان تشکل های صنفی استانهای مختلف سرزمین حماسه و معرفت در راستای تحقق اقتدار ایران سرفراز و عدالت اجتماعی بر آن شدیم یکدل و یک صدا همسو با هم این قشر فرهیخته ی ناپیوسته را پیوندی ناگسستنی بخشیم . باشد که به یمن این پیوند مبارک و این همبستگی مقتدرانه بتوانیم جامعه ای را که دیگر در آن علم و دانش دلنشین و شایسته معنا نمی شود و شان و شوکت و ارزش واقعی آن کم رنگ شده است شور و سرزندگی دوباره بخشیم .

تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در روز جمعه ۱۳۸۰/۱۲/۱۷ در شیراز طی نشست اعلام موجودیت شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران تصمیمات زیر را اتخاذ کردند .

- ۱- تا زمانی که فرهنگیان سراسر کشور دست به دست هم ندهند و یکدل و متحد نشوند ، نمی توانند به حقوق حقه خود دست یابند .
- ۲- تشکل های صنفی فرهنگیان کشور به اتفاق اعلام می نمایند گام هایشان در جهت تحقق اقتدار ملی و رفع تبعیض و بی عدالتی موجود است و تا حصول نتیجه ناز پای نخواهند نشست .
- ۳- تمام تشکل های حاضر بر صنفی بودن خود و پرهیز از سیاست زدگی متفق القول بوده و لزوم بهره برداری از امکانات آموزش و پرورش را در جهت ایجاد و پذیرش جایگاه قانونی تشکل ها در سازمان های آموزش و پرورش خواستار شدند .
- ۴- نمایندگان فرهنگیان در این نشست اعلام می نمایند قدم های برداشته شده جهت رفاه حال فرهنگیان به هیچ وجه قانع کننده نیست و با این حرکت های کند و مقطعی مشکلی نخواهد شد .
- ۵- امید است که مسئولان نظام به این نتیجه رسیده باشند که اعلام خواسته های صنفی اعتراض به نظام و انقلاب نیست .
- ۶- ارتقاء سطح علمی فرهنگیان در جهت آشنائی با آخرین دستاوردهای علمی روز جهان را خواستارند .

در پایان نمایندگان تشکل ها خواستار پاسخگویی شفاف دولت ، مجلس و کمیته پیگیری مشکلات فرهنگیان شدند .

همواره شو عزیز ،

تنها نمان به درد ،

کاین درد مشترک ،

هرگز جدا جدا ،

درمان نمی شود .

با سپاس

اتحادیه صنفی فرهنگیان شهرستان اهواز - کانون فرهنگیان استان اصفهان - انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان - کانون فرهنگیان شیراز کانون معلمان استان همدان

یزد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
دکتر احمدی نژاد

با سلام و تحیات الهی

با احترام این نامه را نمایندگان واقعی فرهنگیان یزد که از طرف همکاران فرهنگی در تاریخ آذرماه ۸۲ به عنوان هیات مدیره کانون فرهنگیان یزد انتخاب شدند خدمت شما برادر گرامی می نویسند. علت این نامه آن است که آن جناب در سفری که به استان یزد خواهید داشت زمان مناسبی را جهت دیدار ما با خودتان در نظر بگیرید، قبلا طی نامه ک/۱۰۴ مورخ ۸۵/۳/۲۱ تقاضای ملاقات با شما هنگام حضور در یزد را به استانداری داده ایم که امید است این امر مهم عملی گردد. امید است عمل شما مصداق سخن امام علی (ع) به مالک اشتر باشد بدین مضمون که:

وان افضل قره عین الولاة استقامه العدل فی البلاء و ظهور موده الرعبه وانه لا تظهر مودتهم الا بسلامه صدورهم. همانا برترین چشم روشنی کارگزاران برپایی عدالت در شهرها و ظهور محبت آنها نسبت به مردم است و این محبت و مهرورزی ظهور پیدا نمی کند مگر بواسطه سلامت و پاکی کارگزاران.

قبلا در زمان حضور ریاست محترم جمهوری قبلی درخواست ملاقاتی با ریاست جمهوری به مسئولان استانداری داده شد ولی به دلایل نامعلوم امتناع ورزیدند.

ما طی نامه ک/۷۲ مورخ ۸۴/۴/۲۱ و کانون های صنفی فرهنگیان کشور در مورخه ۸۴/۴/۲۹ پاره ای از مسائل و مشکلات خود را به شما عرض نموده ایم ولی هیچ گونه پاسخ کتبی مناسب از دفتر آن جناب به ما ارسال نگردیده است. مهم ترین موضوعات مورد بحث ما با آن برادر گرامی که امید است بتوانیم حضوری مطرح نماییم به شرح ذیل است:

- ۱- نظام هماهنگ پرداخت در قالب لایحه مدیریت کشوری
- ۲- مزایای متعددی که بسیاری از سازمان های دولتی از آن برخوردارند و فرهنگیان خیر.
- ۳- به نتیجه نرسیدن تلاش های مکرر کانون های صنفی فرهنگیان برای صدور پروانه فعالیت که همگی از طریق مذاکرات حضوری و مکاتباتی طی پنج سال گذشته صورت گرفته ولی متأسفانه هیچ گونه برخورد قانونی به خصوص از سوی وزارت کشور و کمیسیون ۱۰ احزاب انجام نگرفته است.
- ۴- طرح دومه پاداش از سوی وزیر محترم آموزش و پرورش که محقق نشده است.

۵- ارتقای شغلی و انجام ناقص آن برای فرهنگیان عزیز

۶- بحث زیر بنایی بودن آموزش و پرورش و تاثیر قوی آن در توسعه ی اقتصادی - اجتماعی جامعه

۷- شکل غیر کارشناسانه ی ارزشیابی معلمان

۸- طرح «شرایط حساس کشور» از سوی برخی مسئولان جهت جلوگیری از بیان انتقادات و طرح مشکلات

۹- بحث ۱۲ اردیبهشت و ۱۳ مهر به عنوان هفته و روز معلم. که البته مطالب و نکات ریز و درشت دیگری مطرح هست که ما از اطلاع کلام پرهیز می نماییم. امید است آن جناب فرصت لازم برای پرداختن به مباحث فوق را برای ما ایجاد نمایند.

با تشکر

هیات مدیره و کانون فرهنگیان یزد

تلفن و دورنگار: ۷۲۱۴۵۹۷ - ۰۳۵۱

اکنون که سیزدهم مهرماه ۸۵، معیار و میزان سنجش تبعیض است. در سیزدهم مهرماه جمع می شوید تا اعلام کنید که در جغرافیای وسیع ایران مساحتی ندارید در کویر سوخته آید که نمی از عدالت نمی بارد، در نقطه ای قرار گرفته آید که ابرهای آن بارور نمی شود. سرزمین تان خشک و سوزان است، تکه ای جدا افتاده از ایران است. در سیزدهم مهرماه طرحی از نقش خود می ریزید و می گوید که وصله ی ناجور میان انسان های مرفه و بی دغدغه نیستید. می گوید هیچ کس حقن دارد اقلیم شمارا قیچی کند و هیچ بیداری حق ندارد با دیدن نام و نقش شما و استواری تان خود را به خواب غفلت بزند.

در سیزدهم مهرماه اعلام می دارید که تشنه ی جرعه ای از عدالت هستید و همه وهمه "من ها" را رها کرده "ما" می شوید یک دل و یک صدا و با زبان روزه شعار "اجرای عدالت" را سر می دهید.

محمد برستار کانون معلمان اردبیل

اردبیل

اندیشه ورزی در آموزش و پرورش

علی اکبر باغانی

در ایران نمی توان انکار نمود. و اثرات این دو اندیشه اجتماعی و فرهنگی و تلفیق آن در ایران به وضوح قابل مشاهده است و تاثیر پذیری از غرب و تکنولوژی مدرن در آموزش و پرورش ایران غیر قابل انکار است. به همین علت پرداختن به اندیشه ورزی در آموزش و پرورش ایران دارای ابعاد گسترده و متفاوت و متضادی خواهد بود.

نویسنده صفحه اندیشه سعی خواهد کرد فلسفه آموزش و پرورش ایران و اسلام را با تلفیقی راهگشا، موثر در عمل و کاربردی کردن تعلیم و تربیت اسلامی و ایرانی و مبانی تربیت جدید و آموزش های مدرن، باید و نباید های اندیشه ورزی در آموزش و پرورش ایران، قوانین کشوری و بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، تاثیر فرهنگ در آموزش و تحول فرهنگ و تاریخ با آموزش و پرورش، مدیریت های بنیادین و تاثیرات اندیشه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در آن، نقد آموزش و پرورش ایران و ارائه راه حل های پیشنهادی... آموزش و پرورش مدرن و تضاد و هماهنگی آن با فرهنگ اسلام و ایران، چرایی فقدان تئوری های بنیادی و راهگشا و باز یابی توسعه نیافتگی ایران و فرهنگ و روابط متقابل جامعه و آموزش و پرورش، مرزهای در هم آمیختن فرهنگ ایران و اسلام و تلفیق این دو در یکدیگر، نهادهای تاثیر گذار در آموزش و پرورش را در حد توان تبیین و مشخص کند.

روشن است که اندیشمندان، فرهیختگان، متخصصان، مدیران و معلمان آموزش و پرورش بیشتر از هر کسی می توانند با ارائه دیدگاه ها و اندیشه های خود به نقد و راهگشایی در این زمینه کمک نمایند.

اندیشه ورزی در آموزش و پرورش کاری سهل و ممتنع است آسان بودن آن روشن و واضح است چون از هر کجا و چیز سخن بگویی به آموزش و پرورش و فرهنگ و تربیت ارتباطی وثیق خواهد داشت و مشکل و سخت است چون اندیشه های فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی... آموزش و پرورش را شناختن، تحلیل و تبیین نمودن و برای آینده راهی گشودن کاری بس دشوار می نماید. و ورود به این آوردگاه مرد افکن خواهد بود همان گونه که با گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب اسلامی هنوز هیچ نمای روشنی از فلسفه آموزش و پرورش، ساختار های بنیادین آن و نظریه های راهبردی و کاربردی آموزش و پرورش، دیدگاه های اقتصادی و راه گشا و دکتترین مشخص که ابتدا و انتهای این حیطه اجتماعی وسیع و گسترده را مشخص کند وجود ندارد.

چگونه می توان از گذشته فرهنگ و تمدن ایران و تاریخ درس گرفت، تجربه ای آموخت، آن را با زمان و تکنولوژی جدید و عصر مدرنیسم هماهنگ کرد و تلفیقی از دین، فرهنگ، علم فلسفه، هنر، اخلاق ارائه نمود که نه سنت گرایان را ناخوش آید و نه طرفداران مدرنیته و اندیشمندان پست مدرن و تکنوکرات دنیا مدار را. تلفیق این امور در آموزش و پرورش از چنان اهمیتی برخوردار است که گریزی از آن نیست آینده ایران و انقلاب به تبیین این نظرات فلسفی و بنیادین در آموزش و پرورش گره خورده است.

ایران سرزمینی است که دارای فرهنگ و تمدن چند هزار ساله است و تاثیر فرهنگ و تربیت ایران در همه زوایای زندگی اجتماعی، آموزشی و خانوادگی ایرانیان مشهود است و از طرفی تاثیر اسلام و مذهب تشیع را

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

صفحه اندیشه قصد دارد به مبانی و اصول آموزش و پرورش، تاریخ و فلسفه و مسائل نظری در آن بپردازد و اگر مجال نوشتن فراهم آمد و هفته نامه قلم معلم دوام آورد به مسائل معرفتی و آموزش و پرورش تطبیقی نیز خواهیم پرداخت، و از دانشمندان، محققان، نویسندگان و معلمان و صاحب نظران در زمینه های فرهنگی بی نیاز نیستیم و امید بر آن است که بتوانیم به تحول در آموزش و پرورش و تلفیق آموزش و پرورش دینی و تجربی و مدرن کردن آن دست یابیم.

معمولا کودکان تا ۵ سالگی تحت آموزش اخلاقی، اجتماعی، ادبی، دینی، و رفتاری مادران خود قرار دارند و تا ۷ سالگی تحت سرپرستی پدران خود قرار می گرفتند، طبقات اشراف و اعیان فرزندان خود را به مدارس خاص می فرستادند و آموزش معمولا در اختیار موبدان و کاهنان مذهبی قرار داشت و ایرانیان پیوسته دیندار بوده اند و نفوذ مردان مذهب به نام موبد، کاهن، روحانی در جامعه ایران غیر قابل انکار است و پیوسته متون مذهبی در جامعه ایران مورد توجه قرار داشته و به اوستا و شرح های تدریس و کتب طب، حقوق و فلسفه نیز مورد توجه ایرانیان بوده است. مدارس یا مکان هایی برای آموزش اسب سواری، تیر اندازی، شنا، شکار، کشاورزی نیز وجود داشته است که به طبقات دیگر جامعه آموزش داده می شده است. به طور قطع و با توجه به تاریخ ایران نوعی آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت طبقاتی در ایران وجود

داشته است. که در عصر ساسانی به وضوح مشخص و قابل مطالعه است از آثار به جامانده می توان چنین نتیجه گرفت که ایرانیان در هنر معماری، موسیقی، شعر افسانه سازی و اسطوره پردازی نیز دستی داشته اند و حتی مکان هایی برای آموزش سحر و جادو و ادعیه خوانی داشته و به حفظ اوراد خاص برای درمان بعضی از بیماریها اقدام می کردند. دانشگاه های پزشکی همراه با جراحان بزرگ اقدام به جراحی بیماران و مداوای آنان می پرداختند.

هخامنشیان و ساسانیان به تمدن بزرگی دست یافته بودند که آثار آن در تخت جمشید و تیسفون، پاسارگاد نقش داشته، و دهها اثر جاودانه تاریخی باقی است که نشان می دهد مدارس وجود داشته است که به ایرانیان چگونگی ساختن ابزارهای نظامی و جنگی مانند شمشیر، زره، کلاخود، زانویند، نیزه، کمان، زنجیر، دشنه و ارابه های جنگی بزرگ را آموزش می داده اند و در معماری و سنگ تراشی و ساختن مصالح به درجه ای از قدرت دست یافته بودند که مجسمه ها و سنگ تراشی های قصرها و کاخ ها در قبل از اسلام به روشنی گواهی می دهند که مکان ها و محل هایی برای آموزش انواع هنر ها وجود داشته اگر چه اسم مدرسه یا دانشگاه و... را به شکل امروزی آن نداشته اند.

استادان از احترام و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بودند و به دربار شاهان راه یافته و از پایگاه اجتماعی و قدرت دیوانی زیادی برخوردار بودند.

دیبران در تاریخ ایران به یک طبقه ممتاز و فرهیخته بوده اند و دیوان و اداره امور نوشتاری در پنجه و اندیشه های آنان بوده و سر نوشت ادبی و تاریخی ایران را رقم می زده اند.



قلم را ببندد؟ و زنگاری بر روی کلام الهی «نون و القلم و ما یسطرون» شود؟

به عزت هر آن چه نوشتم یقین دارم: همکاری همه ی همکاران ضرورت موفقیت «قلم معلم» است. با کوشش و همت همکاران راه ها درست تر و دقیق تر طی خواهد شد. اگر چه دیر و دور، اما مسلم است: بالاخره روزی آموزش و پرورش محل سوال جامعه از ظرفیت پذیرش و رشد «عشق معلمی» خواهد بود. حقیقت توجه به توسعه ی فرهنگی، ضرورت توجه جدی به حقوق معلم به چشم انداز سیاستمداران تبدیل خواهد شد. به تابلوی برنامه های اجرایی گام خواهد نهاد. تقدیم به همه ی عاشقان و دلسوزان کشور

دبیر بازنشسته

عبدال... نظیرزاده از تبریز

باید «عشق معلمی» را شکافت و یافته ها را ذره ذره در کام مخاطبان تشنه ی معرفت ریخت. قلم معلم صلاحیت آن را دارد بگوید: عشق معلمی همه ی وظایف نانوشته ی معلمی است. کم توجهی و عدم نگاه عادلانه به معیشت معلمان به خصوص بازنشستگان آن هانه تنها مانع جدی در راه ظهور این وظایف است؛ بلکه انتقال هزینه از جای درست تعلیم و تربیت به بخش های کنترل و درمان سیستم اجتماعی است.

اگر کسی خود را کس می داند؛ باید ظرفیت و جنبه نشان دهد؛ تا قلم بگوید به قلم اعتماد کرد. قلم تصویرگر است. آن جا که با قلم بد را نگاه داشته اند؛ یا نویسنده قلم را ابزار کتمان حقیقتی کرده، قلم هرگز در چشم حقیقت فرو نرفته و نمی رود و راه حقیقت را به روی بصیرت نمی بندد.

پس کدام مصلحتی می تواند

آورده اند. مسائل به ظاهر مقبول و در عین حال غیرفنی زیادی را نسبت به شغل معلمی سر زبان ها انداخته اند. از جمله: ساعات کار معلم کم است. فشار برای افزایش حقوق زیاده طلبی است. سوالی طرح کنیم آیا آموزش و پرورش توانسته است: ظرفیت و زمینه ی مناسب رشد و جریان «عشق معلمی» را آن -چنان که شایسته است- پیش پای معلمان قرار دهد؟ تشکل های صنفی معلمان به دنبال گمشده های شغل معلمی هستند؛ اما مدیریت آموزش و پرورش نتوانسته است؛ از فعالیت تشکل های صنفی معلمان، عظمت توجه به این سوال و جست و جو و پاسخ منطقی آن را استخراج کند. «قلم معلم» با این قبیل مفاهیم، راه گفت و گو و رابطه ی جامعه ی معلمان با خود، خانواده ها، دانش آموزان، مدیران جامعه و نخبگان فکری است. با همین قلم

اوج گیری «عشق معلمی» دارد. ۴- هر چند نخبگان علم و نظر به هر دلیلی، نتوانسته اند؛ انگشت اشارت را در راه سعادت حقیقی جامعه و توسعه ی همه جانبه به سوی معیشت و منزلت و شکوفایی «عشق معلمی» بگیرند، ولی جایگاه ممتاز معلمان در جامعه، نشان می دهد: مردم قدر آن که را در خدمت آنهاست می دانند.

با همه ی این ها زمانی که شنیدم: از هفته نامه ی «قلم معلم» رفع توقیف شده، احساسم تکام داد که ابتدا تولد دوباره ی قلم معلم را به همه ی معلمان ایران زمین تبریک عرض کنم و بعد بگویم: این قلم باید بماند و وسعت میدان خود را بشناسد. هیچگاه گرفتار تنگی نظر و حصار محدود یک تفکر برکه ای نشود، با همین قلم به عرصه ی قضاوت جامعه بایدرفت و غبار مظلومیت از فعالیت تشکل های صنفی معلمان به وجود

قلم در آمد

در طول سی سال خدمت معلمی و چند سال فعالیت صنفی دیدم، جغرافیای آموزش و پرورش در زیر سایه ی اراده ی افلاکیان سیاست قرار دارد. از این رو معنای

غریبانه نشستن اهل نظر در میان جمع را خودآموز دریافتم. فهمیدم؛ گریز و گریز دیگری نداریم، جز این که حقایق تفسیر خدمت را تنها با

قشر خود (معلمان) بازخوانی کنیم. اما هرگز نباید حتی به کمترین حد دورنشستن از قضاوت جامعه (اولیا، دانش آموزان و نخبگان فکری) راضی شد.

حرف دلم این است: در دنیای سیاست می شود خدمت معلمان را

جهت داد. پرفایده و کم فایده نسبت به آرمان های ملی یا

سیاست های گروهی کرد. کاخ اراده و اداره ی آن را در مایملک گروه های سیاسی حاکم قرار داد، اما «عشق معلمی» رام و شکار غیر نمی شود.

۱- این عنصر ستاره ی قطبی شغل معلمی است. و سیاست های انحرافی را به چالش اصلاح خواهد انداخت.

۲- «عشق معلمی» آب حیات شکوفایی و رویش استعداد های دانش آموزان است. هر مدرسه رفته ای در بنیان و بنیاد هر آنچه از اصول مسلم علمی و انسانی دارد آنرا خواهد یافت. به عظمت شغل معلمی خواهد بود.

۳- آرزوهای پدران و مادران در حق فرزند نسبت مستقیمی با

بررسی و نقد لایحه‌ی مدیریت خدمات کشوری (بخش پایانی)

تاثیر نیست.

در فصل چهارم لایحه که در مورد ساختار سازمانی است در ماده ۳۰ لایحه به تنظیم و طراحی و سازمان دهی تشکیلات دستگاه اجرایی مطابق الگوهای سازمان مدیریت با رعایت سقف پست ها و حداکثر دوره و طبقه بندی مشاغل پست ها اشاره شده است اما نه تنها به پست ثابت سازمانی توجه نشده است بلکه اعتبار ۱۰ ساله برای آن تعیین نکرده‌اند و همین امر موجب محرومیت کارمندان از امنیت شغلی می‌شود. در ماده ۳۱ آمده است که هر وزارت خانه یا موسسه مستقل که تحت نظارت ریاست جمهور است به استناد اصل ۸۵ و رعایت اصل ۷۲ و ۹۶ ضرورت و تایید آن توسط هیئت وزیران می‌تواند برای مجموع فعالیت های خود حداکثر ۱ واحد سازمانی داشته باشد. این واحدهای می‌توانند در یک واحد سازمانی ادغام و تحت مدیریت واحدی قرار گیرند. این ماده دراصل تشویق به موازی قراردادن دیگر واحدهای اضافی و بزرگ شدن دولت است که با اصل ۱۴۱ قانون اساسی مغایر است.

در ماده ۳۳ نیز آمده است: کارمندان هر دستگاه اجرایی فقط متصد یکی از پست های سازمانی هستند، از این رو به کارگیری هرنوع افراد دیگر، ممنوع است. پیشنهاد می‌شود با راهکاری چون بازنشستگی با سنوات ارفاقی و یا اعطای پست های ستاره دار موقت این مشکل را برای بعضی کارکنان حل نمایند و بعد از به کارگیری افراد بدون پست جلوگیری کرد مگر در صورت ضرورت. با وجود نیروهای مازاد و حق التدریس در ۲ نوبت (اضافه کاری) این عمل دراصل مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی است.

در ماده ۳۵ لایحه مجدداً مانند ماده ۳۰ و ۳۱ برخلاف اصل ۱۴۱ قانون اساسی بر تنظیم شرح وظایف و ایجاد هرگونه واحد و پست سازمانی اضافی و ادغام آن در یک واحد سازمانی تحت مدیریت واحد اشاره کرد که تکرار مکرر است.

در تبصره ماده ۴۱ لایحه در مورد شرایط استخدام در دستگاه اجرایی به شرط احراز توانایی لازم اشاره کرده است اما در آن به مبنا و مقدار آن اشاره نکرده است. در تبصره ۵ همین ماده نیز شرایط و مقررات در گزینش و استخدام مشخص نیست و فقط به سابقه‌ی کیفری که مانع استخدام می‌شود اشاره شده که ابهام دارد، زیرا طبق اصل ۲۳-۲۵-۳۷، قانون اساسی نیز نمی‌توانیم کسی را از حقوق او منع کنیم خاصه اگر آن فرد کیفر را تحمل کرده و اصلاح شده باشد.

در ماده ۴۴ و تبصره های ۱ و ۲ لایحه آمده است: شرط استخدام، بستن قرارداد برای انجام وظایف مشخص است و نیز تمديد آن به شرط حسن انجام کار و کسب رضایت مردم و نیز ارتقاء سطح علمی و تخصصی و نیاز دستگاه مطرح و فسخ آن نیز امکان ندارد مگر در صورت کسب نتایج ضعیف از ارزشیابی سالانه که در این لایحه به ملاک حسن انجام کار و نیز به مقدار کسب رضایت مردم تحت چه قاعده ای و نیز به مقدار سطح ارتقاء علمی اشاره نشده است. پس وقتی استخدام به صورت قرار دادی و... باشد با صراحت استخدام قطعی و رسمی را لغو کرده است.

در ماده ۴۵ نیز تاکید کرده که بعد از گزینش و استخدام کارمند باید یک دوره ۶ ماهه ی آموزشی را با موفقیت طی کند که هر چند ماده های ۴۴ و ۴۵ مکمل یکدیگر هستند نیاز به بازنگری دارند زیرا این مواد استخدامی، دیگر مواد و قوانین خاص را محدود و لغو می‌کند.

در ماده ۴۶ لایحه با این که در ۲ ماده ی قبلی استخدام را لغو کرده است اما تاکید می‌کند در شرایط خاص دستگاه اجرایی می‌تواند به دلیل نبود پذیرش استخدام نیروهای متخصص برای کار تخصصی خود که بدون متصدی است، همان افراد را در قالب مشاوره ای برای ساعتی یا مدت معین به کار گیرد، بدون این که استخدامی صورت گرفته باشد.

اسدالله جوادیپور- دبیر منطقه ۱۵ تهران

بخش غیر دولتی به بخش خصوصی و حمایت از آن اشاره و تاکید کرده است. با این تعریف ضوابط و چهار چوب خاصی هم ذکر نکرده است و به ظاهر در جای دیگر هدف از این کار را ایجاد فضای رقابت سالم و جلوگیری از انحصار طلبی مطرح کرده است. اگر چه براساس اصل ۸۵ قانون اساسی با رعایت اصل ۷۲ و ۹۶ مجلس حق واگذاری قانون گذاری را به بعضی دستگاه ها داده است اما این عملکرد به این صورت که هدف آن تامین اهداف بندج اصل ۴۴ و برای فعال کردن جامعه و جذب سرمایه های داخلی و خارجی برای تعدیل کسری بودجه است با اصل ۱۷ همین لایحه و نیز اصل ۳۰ قانون اساسی تعارض دارد، زیرا طبق قانون کار بخش خصوصی بر مجموعه ی خود نظارت دارد و اگر دولت در آن نظارت داشته باشد دیگر بخش خصوصی نیست.

این ماده با اصل امنیت و استقلال برای هر دستگاه مغایرت دارد در ماده ۱۷ لایحه نیز با اعطای اختیارات لازم و گاه نامحدود و نامعین به مدیران دستگاه های اجرایی برای بهره وری و نظام کنترل نتیجه و محصول آنهم برای افزایش کارایی و... اشاره شده (که این ماده برای تقویت و تامین ماده ۷۸ و ۱۰۸ همین لایحه، (ممانعت از حق اعتراض و شرکت در تشکل های سیاسی و غیر سیاسی است) و از طرفی این ماده با بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی که مشارکت عامه ی مردم را در تعیین سر نوشت خویش دارند را بیان و مغایر است. خاصه در صورت اجرایی شدن این ماده (۱۷) در عمل خلاف آنچه که در بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی مطرح شده (که هدف بهره کشی نباشد) تعرض دارد.)

در ماده ۲۲ لایحه نیز به واگذاری بخشی از وظایف دولت یا وزارت



خانه و موسسه دولتی به بخش خصوصی آن هم با حفظ مالکیت و حاکمیت دولت یا شرکت دولتی اشاره شده (و اگر چه بعداً تئورسین های حاکمیت برای توجیه آن گفته اند در صورتی که ۵۱ تا ۵۴ در صد از سهام مربوط به دولت شود دولت نظارت و حاکمیت مشروط خواهد داشت) اما از طرفی اجرای این ماده امنیت شغلی و آینده ی کارمند را به خطر می‌اندازد زیرا چنانکه قبلاً در مواد قبلی گفته شد صاحب کار، کار فرمای بخش خصوصی است و او به خاطر بهره وری خود عمل خواهد کرد. از اینرو این ماده با اصل ۲۲ قانون اساسی و دیگر اصول مرتبط با امنیت شغلی مغایر است و در ماده ۵۷ قانون کار نیز دز امنیت شغلی فقط به تجهیز ات بهداشتی و استحکام محیط کار اشاره کرد. از طرف دیگر در دیگر مواد این لایحه در این فصل ۳ سازمان مدیریت دیگر سازمان ها را موظف کرده تا از طرفی در زمان معین شرح وظایف تک تک پست های سازمانی و مشاغل خود را با زمان استاندارد انجام مراحل کار تعیین کنند تا معیار درستی برای سنجش و ارزشیابی کارمندان قرار گیرد و از طرفی به تکریم ارباب رجوع (آن هم یکطرفه) اشاره شده است اولاً وقتی شرح وظایف کارمند به او تفهیم نشود، و از طرف دیگر چهار چوب برای احترام متقابل تعیین نشود (کارمند - ارباب رجوع) و حدود آن نیز معین نشود، و از طرف دیگر وضعیت استخدامی و وظایف او مشخص نشود و وظایف متفرقه ی دیگری بر او تحمیل شود با جملات زیبا و بصرف سوگند اخلاقی شغلی انجام کامل کار اجرای این ماده را منطقی نمی‌سازد و مسلماً وجود و دخالت فشارهای عصبی ناشی از عدم امنیت شغلی و احترام متقابل و فاصله طبقاتی در روند شغلی بی

این لایحه در اصل ترکیبی از همان مواد قانون مجموعه قوانین و مقررات استخدامی سالهای ۴۱ تا ۴۵ و اصلاحاتی که تا سال ۷۰ در آن صورت گرفته می‌باشد. به طوری که با دقت در محتوای تعاریف و اهداف و چشم انداز های سیاست کلان آن در برنامه های (کوتاه مدت، ۵ ساله - میان مدت، ۱۰ ساله - بلند مدت، ۲۰ ساله) خواهیم دید که محور همه ی لوایح قبلی و فعلی و برنامه های آنها یکسان است ولی اجرای آن قابل تامل است. برای مثال به ۲ برنامه آن اشاره می‌شود:

۱- در سیاست ها و پیش بینی برنامه های اجرایی ۵ ساله ی سوم توسعه، در ارتباط با فصل آموزش و پرورش عمومی، مباحث آن در ۸ ماده قانونی (از ۱۴۳ تا ۱۵۰) با ارائه ی ۲۸ راهکار اجرایی حول محورهای هفت گانه: (بهینه سازی و اصلاح ساختار نیروی انسانی - توسعه و مشارکت مردم در بخش خصوصی - ارتقاء کیفی - ارتقاء دانش شغلی و سطح تحصیلات نیروی انسانی - بهبود روش بهره برداری از منابع و امکانات - توسعه ی با سواد زیر ۶ سال و بزرگترها - توسعه ی خدمات رفاهی و اجتماعی فرهنگیان - توسعه ی آموزشی و رفح نا برابری در امکانات) مطرح شد اما در عمل مصوبات برنامه های آنها در اجرا، مسکوت و یا خیلی ناقص ماند.

۲- در برنامه ی چهارم توسعه دستگاه های موازی و انحصاری شدن موجب بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی شد که منجر به اصلاحیه هایی در لایحه گردید بنابراین با توجه به نتیجه عملکردهای حاصل از اجرای تدریجی این لایحه و نقد دیگر منتقدین در مطبوعات اقتصادی، سیاسی، این طرح و لایحه نه تنها موفق نبود بلکه با استقبال کمی از سوی بنگاه های خصوصی و سرمایه گذاری روبرو شد. مواد قانونی این لایحه طوری بود که مهمترین مواد آن علاوه بر اینکه با بعضی از اصول قانون اساسی مانند اصل ۴ مغایرت داشت حتی با بعضی از مواد قانون استخدامی و خود لایحه تعارض دارد و محدودیت های بسیار در آن موجود است به طوری که در صورت عدم کارشناسی دقیق به صرف سود دهی کوتاه مدت با نگرش بهره کشی ابزاری به مستخدم، براساس دیگر مواد این لایحه که خلاف بند ۴ اصل ۴۳ را می‌رساند قطعاً بسیاری از خواسته ها و اقدامات تامینی مستخدمین دولت را به خطر می‌اندازد که شرح آن در زیر می‌آید.

نقد تعاریف بعضی فصول و مواد لایحه و واژه های آنها

۱- در فصل اول این لایحه اگر چه در ابتدای مواد لایحه تعاریف و اهداف آن بیان شده، اما چون واژه های آن کلی است و شفاف و روشن بیان نشده از نظر حقوقی و تفسیر ابهام دارد، که نیاز به تعیین حدود و وظایف آنها دارد و در مواد ۳ و دیگر مواد فصل های دیگر واژه غیردولتی و بخش غیر دولتی - بخش خصوصی، تعاونی به کار رفته و تعریفی از این واژه ها نشده و حتی حدود وظایف و اختیارات آنها مطرح نشده لذا بعد هادر این مورد از نظر حدود و اختیارات اجرایی قانونی آنها تعارض ایجاد می‌شود. در اکثر مواد فصول لایحه از جمله ماده ۶ کلمه پست سازمانی به کار رفته اما تعریف کاملی از آن و نیز وظایف و مسئولیت های مرتبط با آن نشده است تا از گنجاندن دیگر وظایف غیر مرتبط در آن پست برای تصدی یک کارمند خود داری شود. و باز در کل مواد و تبصره های این لایحه چهار چوب و ضوابط و مقررات لازم را برای هر ماده و تبصره معین نکرده است بلکه اجرای آنها را به تعبیر و تصویب هیئت وزیران موکول کرده است.

۲- در فصل دوم و سوم این لایحه: در ماده ۱۲ واژه ی شفاف را در جمله دولت با اقدامات شفاف خود عمل می‌کند به کار برده است که از نظر بار حقوقی و قانونی ابهام دارد و مشخص نیست مقدار آن چقدر و چگونه است - و در ماده ۱۳ به انجام شدن امور حاکمیتی توسط دولت در بخش غیر دولتی اشاره کرده اما معین نیست که آیا بخش غیر دولتی همان بخش خصوصی است یا شامل آن می‌شود و از طرفی در ماده ۱۴ نیز با توجه موضوع ماده ۱۳ به سپردن تصدی های اجتماعی و فرهنگی خدماتی آن هم با رعایت اصل ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی از طریق توسعه ی

و یک صبح نیلوفری

هر از گاه می آیی از راه
با کوله باری که لبریز از بوی صبح است
و پیشانی ات مثل مشق حسابم
سفید سفید است.
کنار همان پنجره می نشینی
که لبریز از عطر بال پرستوست
و خط می زنی مشق دیروز ما را
و این بار هم زیر آن می نویسی که:
«خوب است»
هر از گاه می آیی از راه
مثل همان فصل سرسبز
که تا آمدی «لاله» را بخش کردی
تو می آمدی
عشق آغاز می شد
من از میز آخر
نگاه تو را می کشیدم
و نقاشی ام بیست می شد!
تو یک صبح نیلوفری آمدی
باغ را
زود
منهای پاییز کردی
و با خنده ات جمع کردی
که حاصل گل اطلسی شد
و موضوع انشای آینده را
روی لوح دلم می نویسی!

حمید هنرجو

باغ کاغذی

هنوز عاشقم آن مهربان یکتا را
کسی که یاد به من داده بود الفبا را
کسی که ساخت مرا آشنا به واژه ی آب
سپرده بود به دستم کلید دریا را
کسی که قلب وی از آسمان سخی تر بود
چو می نواخت به بارانی از صدا، ما را
همیشه در وسط ذهن کودکانه ی من
نشسته بود به پاسخ، سوال دنیا را
کسی که بر سر میزش همیشه گلدان بود
کسی که دوست نمی داشت، غیر گل ها را

بهمن صالحی

غم مخور

ای معلم چون حقوقت شد فراوان غم مخور
دردهایت می شود این بار درمان غم مخور
ای که عمری چون پرستویی مهاجر بوده ای
خوش به حالت می خری تو کاخ اعیان غم مخور
با حقوقت بنز و مزدا یا دوو خواهی خرید
می شوی راحت ز جور کهنه پیکان غم مخور
ای که گویی حال و روزت تاکنون بد بوده است
می در اند پول، جیب کهنه تنبان غم مخور
چند روزی شادمانی کن به یمن این خبر
گر کلاهی رفت بر سر تا گریبان غم مخور
تا به کی تو شکوه داری از حقوق اندکت
فرق باشد از حبیبان تا غریبان غم مخور
گر نمی یابی کسی را تا بگیری یک جواب
باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور

شعر از «زنجره»

گلبرگ ها

۱- در هیچ سیاره ای نمی توان خبرهایی مهم تر از زمین یافت؛
این جا انسان زندگی می کند.
۲- دریا به دشواری گل آلود می شود. جویبارها به هر بهانه ای!
۳- در غفلت باغبان، کلاغ ها در مزرعه باغبانی می کنند!
۴- سقوط سیب برای ذهن های رسوب کرده حادثه ای نیست؛
تا اندیشه نیوتن بالا نرفت، سقوط سیب معنا نیافت!
۵- حق تقدم همیشه با کسی است که حق را مقدم داشته است.
۶- «هیچ» ره آورد تلاش آنانی است که «همه چیز» را در خاک
می جویند.
۷- خیلی دیر است اگر در قیامت بفهمیم برای چه آفریده
شده ایم.
۸- جهنم، محل آبروریزی آبرومندان «دنیا» ست.
۹- بهشت، جشن تولد عمومی خوبان است.
۱۰- بکوشیم با خود زاویه حاده، با مردم زاویه منفرجه و با مرگ
زاویه قائمه باشیم.

دکتر محمدرضا سنگری

نماینده های قلم معلم در سراسر کشور

۱. آبادان: آریانمهر ۴۴۶۰۶۲۲
۲. اصفهان: یدالله شعبانی ۶۲۷۹۲۲۲ همراه ۰۹۱۳۳۱۵۵۰۴۶۳
۳. آستانه ی اشرفیه: غلامحسین زکری ۰۹۱۱۱۴۲۵۴۸۴
۴. ابر: محمدقهرمانی همراه ۰۹۱۲۶۴۲۴۳۲۵
۵. اراک: صفری همراه ۰۹۱۸۳۶۱۰۰۵
۶. اردبیل: محمدپرستار ۰۹۱۴۴۵۴۰۷۱۷
۷. ارومیه: عبدالرحمان وصفی ۰۹۱۴۳۸۸۵۱۸۶
۸. ازنا (لرستان) پوره ۰۹۱۶۶۶۴۱۳۸۶
۹. اسلامشهر: رسول بدائی ۰۲۲۸-۲۲۴۳۲۶۳
۱۰. ایلام: علی رحیمی ۰۹۱۸۳۴۱۸۶۹۵
۱۱. بجنورد: شیخ نژاد ۰۹۱۵۳۸۴۲۱۸۵
۱۲. تبریز: غلامحسین جعفری زاد ۰۹۱۴۱۱۵۳۸۱۶
۱۳. خمینی شهر: سیدمجتبی ابطحی ۰۹۱۷۷۱۶۰۲۵۷
۱۴. دماوند: حبیبی ۰۹۱۲۶۳۰۹۴۱۶
۱۵. دهدشت: جمشیدعزیزی ۳۲۲۶۱۷۸
۱۶. رشت: یدالله بهارستانی ۰۹۱۱۱۳۵۸۲۶۹
۱۷. زنجان: محمد انصاری ۰۹۱۲۵۴۲۷۰۱۳
۱۸. سقز: محمدشاهدعلوی ۳۲۳۴۹۸۶
۱۹. سنندج: پیمان نودینیان ۲۲۵۰۳۲۷
۲۰. شوشتر: عارف رویشدزاده ۰۹۱۶۳۰۷۳۰۷
۲۱. شهرری: فنایی ۰۹۱۲۲۷۱۵۰۴۹
۲۲. شهرضا: رحمتی ۰۹۱۳۲۲۲۱۵۵
۲۳. شهرکرد: نبی الله باستان ۰۹۱۳۱۸۳۴۹۱۸
۲۴. شیراز: هاشم سماجت ۰۹۱۷۷۰۳۸۶۴۹
۲۵. قشم: عبدالله تقی پور اشکاه ۰۹۱۸۸۹۶۶۶۰۶
۲۶. قزوین: اسماعیل کبوتری ۰۹۱۲۶۸۱۸۰۲۱
۲۷. قلعه حسن خان: اکبری پرورش ۰۹۳۲۹۲۱۴۳۴۰
۲۸. قوچان: علی مولوی ۰۹۱۵۳۸۲۱۶۳۲
۲۹. قم: رکن آبادی ۶۶۶۷۲۷۷
۳۰. کوهدهشت: کیانوش رستمی ۰۹۱۲۲۵۲۰۴۷۷
۳۱. کرمانشاه: آقاب محمدتوکلی ۰۹۱۸۳۳۲۳۰۴۸
۳۲. کرمان: هوشنگ بنی اسدی ۳۲۱۷۶۹۱
۳۳. کرج: عبدالرحمان ایران نژاد ۰۲۶۱۴۴۲۴۸۳۵
۳۴. لاهیجان: قنبرتوحیدی ۰۹۱۱۴۴۷۰۱۸
۳۶. نکا: حسینعلی حسینپور ۵۶۲۸۸۰
۳۵. مشهد: هادی لطفی نیا ۰۹۱۵۵۱۹۹۳۳۲
۳۷. نائین: علی غفرانی ۰۹۱۳۲۲۳۰۷۲۷
۳۸. همدان: یعقوبعلی عبدی ۸۳۵۱۴۵۷
۳۹. یزد: محمدعلی محمدحسن شیرازی ۰۹۱۳۳۵۶۰۰۷ یا ۷۲۱۴۵۷۹

همکاران گرامی قلم معلم برای اینکه بتواند استقلال خود را حفظ کرده، در بیان اندیشه های شما پابرجا ماند نیاز به همکاری بیشتر شما دارد. شما می توانید دست کم با پرکردن فرم اشتراک پایین و واریز کردن مبلغ ۱۷۰۰ تومان برای سه ماه مبلغ ۳۴۰۰ تومان برای ۶ ماه و یا ۷۲۰۰ تومان برای مدت یکسال به شماره حساب سیبا بانک ملی به شماره ۰۱۰۰۲۴۱۶۲۴۰۰۷ واریز نمایید. برای اطلاعات بیشتر با دفتر هفته نامه تماس بگیرید.

فرم اشتراک هفته نامه ی قلم معلم ویژه تهران

نام خانوادگی شماره ی پرسنلی
استان شهرستان خیابان
کوچه ی پلاک کدپستی

امضاء

قلم معلم آگهی تبلیغاتی می پذیرد. برای فرهنگیان محترم تخفیف ویژه قائل است.

تلفن آگهی های قلم معلم ۰۹۱۲۱۰۹۰۲۹۳

همکار فرهنگی صفحه آرای با تجربه نیازمندیم

صندوق ذخیره فرهنگیان کی بار می دهد؟!

رسول بدائی

۲- چرا خود فرهنگیان که سهامدارن اصلی هستند، دخالتی در برگزیدن هیات مدیره و بازرسان ندارند؟

۳- چرا سود بدست آمده راماهانه ویا سالانه بین سهامداران تقسیم نمی شود؟

۴- در ماده ی ۲ اساسنامه که بیان کننده ی اهداف صندوق نیز می باشد، در همه ی بندهای آن تنها دردو مورد به واژه ی فرهنگیان اشاره شده است، سایریندها می‌رساند، که این صندوق بر طرف کننده ی مشکلات دیگران است، نه فرهنگیان. چرا؟! از قضا این صندوق به بیشتریندها واهداف خود پرداخته غیر از همان دوبندی که در آن نام فرهنگیان آورده شده است.

۵- آیا در بخش ساختمان سازی سود آن به کدام فرهنگی رسیده است؟

۶- یکی از بخش های کارکرد این صندوق لیزینگ خودرو می باشد، آیا بهره ای که آتھاروی خودروهای قسطی می کشند، به مراتب بالاتر از بهره ی سایر فروشندگان وبنگاههای خرید خودرو نیست؟ چرا؟

۷- اینها چه بازرسانی هستند، که بوسیله ی هیات امنایی برگزیده شده اند، که آنها نیز بوسیله خودشان برگزیده می شوند؟ و خود هیات امنای هیات مدیره ای که سرمایه گذاریشان به اندازه ی سهامداران عادی است، نه بیشتر. (آنگاه گزارش راباید باز برای هیات امنافراهم کنند، نه برای سهامداران)

۸- چرا باید چهار نفری که نماینده ی فرهنگیان در هیات امنای باشند، را نیز وزیر آموزش و پرورش برگزیند؟

امیدواریم که وزیر محترم آموزش و پرورش در سایه ی دولت عدالت گستر ریاست محترم جمهوری اسلامی برای بر طرف شدن هر گونه شبهه و بدگمانی که از سرکنجکاوای ممکن است پیش آید، پاسخ بدهند.

در پایان درخواست ما این است: الف) هیات مدیره و بازرسان راه سهامداران (فرهنگیان) برای مستقیم خود برگزینند. (بدون واسطه) ب) سود موسسه ماهانه یا سالانه به حساب سهامداران (فرهنگیان) واریز شود. و سهم دولت در هنگام باز نشستگی. ج) هیچ گونه تبعیضی بین سهامداران ستادی یا صفی چه در اعطای وام و چه در سهم سود نباشد. د) در گزارش سالانه ی موسسه باید این موارد نیز آورده شود: شمار کل اعضا در آن سال شمار خروجی ها، مبلغ پرداخت شده به خروجی ها، سهم هر عضو در سود بدست آمده در آن سال، کل دارایی اعم از مقول، غیر مقول، نقد ینگی.

با آرزوی سربلندی فرهنگیان ایران زمین

الوقلم معلم

۱- قلم معلم سعی کند انگیزه های منطقی و روانی مخاطبان را پیدا کند و کاربردهایی را که مخاطبان نیاز دارند بر آورده سازد.

۲- قلم معلم مشکلات اساسی معلمان را مطرح کند و بر اولویت های مطالبات و خواسته ها تاکید نماید.

۳- واقعیت این است که برخی از معلمان تلاش و فعالیت خود را برای به دست آوردن خواسته ها زمانی به کار می گیرند که دیگر دیر شده است.

۴- همکاران عزیز فرهنگی حال که با زحمات بسیار قلم معلم منتشر می شود همه ی ما با مشترک شدن و تلاش در توزیع آن گامی جهت تحقیق اهداف معیشتی-منزلی خود برداریم و دوستانمان را تنها نگذاریم.

۵- قلم معلم در انتخاب مسیر خود مصمم و متعهد بماند تا نه تنها برای معلمان، بلکه برای دیگران هم منبع الهام باشد و به اهداف خود برسد.

۶- معلمان فکر کنند و برای افزایش موفقیت در غلبه بر موانع و مخالفت هایی که بر سر راه مطالبات آنان است، روش و هدفی را مشخص و پیشنهاد نمایند.

۷- به یاد داشته باشیم کسی که سوال می کند مسیر گفت و گور تعیین خواهد کرد. مسئولان بدانند که گفت و گو با تشکل ها راه حل هایی برای مشکل معلمان و آموزش و پرورش دربر خواهد داشت.

و برای پرسش دوم (به شما چه وعده هایی داده شده است؟) ایشان چنین پاسخ دادند:

دولت موظف است، همانطور که در بخشنامه ها و اساسنامه ی این صندوق آمده است، به همان اندازه ای که هر عضو پس انداز کرده است، در پایان سی سال خدمت به حساب آنها واریز نماید، و صندوق نیز سهم هر عضورا به میزان مبلغ سرمایه گذاری شده اش از محل سود به او بپردازد.

ایشان نیز به مانند بیشتر سهامداران صندوق از شیوه ی نظارت بر کار صندوق، انتخاب هیات امنای، هیات مدیره، مدیر عامل و بازرسان، آگاهی چندانی نداشتند.

خانم ثریا داریابی لیسانس ادبیات رئیس پیشین هنرستان کار دانش نماکارنگ منطقه ی یک، از سهامداران بازنشسته، که از آغاز تاسیس این صندوق به عضویت در آمده اند، ناخرسندی خود را از شیوه ی کارکرد این صندوق چنین ابراز داشتند: ((در سال ۱۳۷۹ بعنوان عضو، از صندوق درخواست وام کردیم، به ما چهار صد هزار تومان وام دادند، و صد و پنجاه هزار تومان روی آن بهره کشیدند. که هم بهره ی آن بالا، و هم مبلغ وام بسیار پایین بود، از طرفی در همان زمان به اعضای ستادی آموزش و پرورش تا پنج میلیون تومان وام می دادند. ما از دولت و مسئولین آموزش و پرورش می خواهیم که هیات امنای بوسیله ی اعضا انتخاب کنند؛ و چند نفر را به عنوان ناظر از میان سهامداران و با انتخاب سهامداران برگزیده، تا بر کارکرد آنان نظارت داشته، و به سایر اعضا سالانه گزارش بدهند.))

خانم محمودی مدیر دبیرستان حضرت خدیجه باسیزده سال سابقه ی خدمت، پنج سال مدیریت، لیسانس الهیات و سهامدار صندوق ذخیره ی فرهنگیان در این باره چنین می گوید:

((صندوق ذخیره ی فرهنگیان ماهانه نزدیک به شش هزار تومان از حقوق بنده برداشت می کند، ما به این امید به صندوق پول واریز می کنیم، که در هنگام نیاز بتوانیم از این پول استفاده کنیم. هنگام آغاز به کار این صندوق گفتند: "که هر چه شما پس انداز کنید؛ دولت نیز به همان مقداریه حسابتان واریز کرده و صندوق نیز بر پایه ی سود حاصله سهم هر سهامدار را محاسبه و پس از بازنشستگی واریزی می کند." اما پرسش اینجاست که هنگام بازنشستگی، واریز این پول نمی تواند، در حل مشکلات مالی، کمک چندان خوبی به ما باشد. زیرا ما هم اکنون مشکلاتمان در بالاترین اندازه است. بچه هایمان یاد راندن نگاه سرگرم تحصیل هستند، یاد سر بازی به سر می برند، اگر مادر این سن آرامش نداشته باشیم، پس کی باید آرامش داشته باشیم؟ ما اکنون که در حال خدمتگذاری هستیم، و می توانیم برای جامعه سودمند باشیم، باید شاداب و بانشاط زندگی کنیم. اگر ما با آرامش خاطر سر کلاس نرویم، این خیانت به دانش آموزان امروزی و در نتیجه به جامعه و خانواده ی ماست. اگر آموزش و پرورش قصدش واقعا کمک به معیشت فرهنگیان است، باید ماهانه و یا سالانه سود این پول ها را به ما بدهد؛ نه در پایان عمر. این هم جای پرسش دارد، که چرا وزارت آموزش و پرورش درباره ی اساسنامه ، هیات امنای، هیات مدیره، بازرسان و شیوه ی گزینش و نظارت بر این دستگاه بزرگ، چیزی به ما نگفته اند؟))

اما شگفت انگیزترین پاسخ پرسش شندگان، از آن آقای سرآبادان رئیس دبستان استقلال اسلامشهر بود، که در پاسخ این پرسش: (اگر هنگام بازنشستگی رئیس صندوق سود و سهم دولت را به شما نپردازد، شما چه خواهید کرد؟) ایشان گفتند: "باز هم می گویم خدا پدرشان را بیا مرزد، زیرا سببی بوده اند، برای اینکه ما بتوانیم مقداری از درآمد خود را پس انداز کنیم."

ایشان نیز مانند شمار بسیاری از معلمان درباره ی صندوق ذخیره ی فرهنگیان هیچگونه آگاهی نداشتند. همه ی آگاهی های آقای سرآبادان در این مورد این بود که: ماهانه بیش از پنج هزار تومان از ماکم می شود، تا هنگام بازنشستگی دوبرابر پول پس انداز شده را به ما برگردانند.

واما از ناخشنودی سهامداران آگاه که بگذریم؛ از وزیر محترم (رئیس هیات امنای) می خواهیم که برای آگاهی همه ی سهامداران به پرسش های زیر به روشنی پاسخ بفرماید. با آگاهی از اینکه این صندوق تنها و تنها از پس انداز نقدی فرهنگیان چیزی نزدیک به سه هزار میلیارد تومان سرمایه دارد، و ماهانه سه میلیارد و پانصد میلیون تومان پول نقد به حسابش ریخته می شود. نزدیک به ده برج سبزه طبقه (مسکونی) ، تجاری و اداری، کارخانجات گوناگون، شرکت های تولیدی و..... داراست.

۱- این سرمایه ی گزاف و سود آن کجا می رود؟

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد
و آنچه خود داشت زیبگانه تمنا می کرد.
کبری کز صدف کون و مکان بیرون بود
طلب از گم شدگان لب دریا می کرد

هنگامی که قلم بدست می گیرم، تاجملاتی را کنار هم بگذارم، هر چه می کوشم تا: " بادل خونین لب خندان بیارم همچو جام " اما امواج سهمگین سیل اندوه و طوفان گرفتاری های این قوم مرا به آنجا که نمی خواهم بروم می کشاند. یا توانم ناچیز است، یا اندوه؛ سپاهش بیکران است. به هر تقدیر کمتر کسی یافت می شود، که برخلاف اندیشه اش بتواند، جمالتی را کنار هم بگذارد، که از دل بر نیاید اما بردل نشیند. می توان گفت: "از کوزه برون همان تراود که در اوست" اما با عرض پوزش خدمت خوانندگان گرامی و شاعر شیرین سخن؛ این بیت نمی تواند در همه جادریست از آب در بیاید، زیرا بسیار کم پیش می آید، که انسان ها آنچه می نگارند، و یا آنچه می گویند با درونشان یکی باشد. اگر اینگونه بود، دنیا مدینه ی فاضله، و یا انسان از قوه ی اختیارش ساقط می شد و یا ادبیات کهن ما مجبور نبود واژه هایی همچون ریا و چاپلوسی و... راهمه جاکشان کشان با خود ببرد، اما با این تفصیل باید گفت:

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند
آنچه استادزل گفت بگو می گویم .

در سال هایی که درخت امید هنوز در دل های پاک سبز بود، و غنچه ی لب ها آلوده ی خواهش و التماس نشده بود، در سالهایی که هنوز هیچکس بخاطر لقمه ای نان تا این اندازه سر پیش ناکسی خم نمی کرد، و کسی مجبور نبود برای نان بر سر ایمان داد و ستد کند. هنگامی که هنوز آبرو به ارزانی نان و دوغ نشده بود، و بسیاری هنوز (وضو باتپش پنجره ها) می گرفتند، (نه باگسترش حنجره ها) هنگامیکه اندیشه هایک زبان داشتند، و آن راستی بود، و جای پای گذر راستی روی پیشانی همگان هویدا بود. و بالاخره آنگاه که معلمی هنوز آلوده ی شرمندگی نشده بود، بخشنامه ای آمد، بدین مضمون: ((هر فرهنگی که ماهانه فلان مبلغ را به حساب ذخیره ی فرهنگیان واریز کند. پس از پنج سال دولت نیز برابر با همان مبلغ ذخیره شده را افزوده و موسسه نیز سهم سود را پرداخته، و در صورت انصراف در پایان پنج سال، اصل سرمایه همراه سهم دولت یکجا به وی بازگردانده خواهد شد.)) اما از آن تاریخ تاکنون نزدیک به یک دهه است که می گذرد، هیچ فرهنگی نمی تواند یانمی داند یا نمی پرسد، که آن وعده ها چه شد؟ یا پول های کلان ماکه سراز هزار میلیارد تومان در آورده کجای رود؟ دست کیست؟ چه می شود؟ سودش کجا می رود؟

این صندوق همه ی کارهای عضوگیری، تبلیغات، آگهی، اطلاع رسانی، مصارف کاغذ، پست چی ها، دفترهای سراسر کشور، تلفن ها، وسایل ارتباطی دیگر، کارمندان، جلسات، همه و همه ی امکاناتش را، و از همه مهمتر اعتماد سرمایه گذاران آن، کاملاً با پشتوانه و هزینه ی آموزش و پرورش بوده و سهم اولیه ی هیات امنای، هیات مدیره و مدیر عامل آن در سرمایه گذاری صفر بوده است، تنها سرمایه گذارش اعضا (معلمان) بوده اند. اکنون این صندوق با نزدیک به هفتصد هزار سهامدار در هر ماه نزدیک به سه میلیارد و پانصد میلیون تومان به حسابش ریخته می شود، و از آغاز به کار تاکنون بایستی نزدیک به سه هزار میلیارد تومان پول نقد ذخیره داشته باشد. دهها پروژه در بهترین نقاط تهران، برج های سربه فلک کشیده ی صندوق فرهنگیان، هراسانی را به شگفتی وا می دارد. که اینها با پول های اندک و قطره مانند چه ثروتی را بهم زده اند، این ثروت تنها و تنها ثمره ی اعتماد و نجابت فرهنگیان است و لا غیر، آیا اکنون نباید به چند پرسش فرهنگیان پاسخ گویند؟

برای بی بردن به پرسش های سهامداران، سراغ چندتن از اعضای صندوق رفتیم، که چشم داشت آنان را بدانیم و به این خاطر که رفع شبهه بشود و از گمانه زنی و سوء برداشت های نا آگاهانه ی ممکن پرهیز بشود، از مسئولین انتظار پاسخی شایسته داریم.

در این راستابه سراغ آقای محمدرضا حافظی لیسانس الهیات و دبیر زبان انگلیسی هنرستان کار دانش شهید مصطفی خمینی و مدیر پیشین دبیرستان حافظ رفتیم، و با ایشان به گفتگو پرداختیم، در پاسخ نخستین پرسش ما. (این صندوق ماهانه چه مبلغی از حقوق شما برداشت می کند؟)

چنین گفتند: مبلغ واریزی برای همه ی فرهنگیان بطور یکسان نزدیک به پنج هزار تومان است.

تقلیل دو ساعت کار موظف معلمان

.... و له السماء الحسناء

چندی است که فرهنگیان کشور خبرهای ضد و نقیضی را در خصوص دو ساعت تقلیل ساعات کار موظف هفتگی می شنوند که متأسفانه برداشت های کاملاً متفاوت از اصل موضوع و عملکرد ناهماهنگ ادارات مناطق مختلف کشور در مقام اجرای آراء صادره از سوی شعبات مختلف دیوان عدالت اداری ابهامات موجود را تشدید کرده است. لذا امید است عنایت به مطالب ذیل از سوی همکاران گرامی و مقامات محترم ذی مدخل در این امر بتواند رافع مشکلات حادث بوده باشد.

کلیه همکارانی که در سال ۶۱ در نهاد مقدس آموزش و پرورش شاغل بوده اند به خوبی به خاطر می آورند که وزیر محترم وقت در یک اقدام حمایتی (با عنایت به شرایط ویژه جنگ) بخشنامه ای را صادر و طی آن از فرهنگیان سراسر کشور درخواست نمودند که به جهت کمک به دولت نوپای اسلامی و مساعدت در غلبه به مشکلاتی که با آن مواجه شده است دو ساعت اضافه از میزان معمول (۲۴ ساعت به جای ۲۲ ساعت تدریس رسمی) به تدریس بپردازند. همکاران عزیز فرهنگی در پاسخ به این بخشنامه و به قصد حمایت از دولت منتخب مردم در آن شرایط اضطراری و بحرانی بدون هر گونه مقاومتی به این فراخوان ملی پاسخ مثبت دادند و این تقاضا را بدون کوچک ترین چشمداشت مادی اجابت نمودند. مع الاسف پس از پایان جنگ و حتی پایان دوران بازسازی نیز گویا این اضافه کار رایگان به مذاق بسیاری از متولیان خوش آمد و همین امر موجب شد که علیرغم رفع شرایط اضطرار به ویژه در سالهای اخیر که اکثر ادارات و مناطق آموزش و پرورش به دلیل سیاست های موفق دولت در کنترل موالید شاهد کاهش جمعیت دانش آموزی و بالمال تزیاید روز افزون نیروهای مازاد هستند نه تنها هیچ گونه تجدید نظری در این تصمیم صورت نگرفته است بلکه واحد حقوقی وزارت محترم متبوع به استناد اینکه وزیر آموزش و پرورش در شرایط خاص مجاز به تعدیل ساعات موظف تدریس میباشد همچنان بر تحمیل این دو ساعت به فرهنگیان هر سه مقطع تحصیلی اصرار میورزد و سعی مجدانه دارد که ارسال گزارشات شبهه ناک به مقامات مملکتی و قضایی به ویژه ریاست محترم دیوان عدالت اداری و قضات نکته سنج و بصیر شعبات مختلف دیوان بر تداوم شرایط موجود دامن بزند متأسفانه دامنه این مقاومت نادرست و غیر منطقی به حدی گسترده است که در حال حاضر موضوع افزایش دو ساعته سال ۶۱ که بنا به تصمیم وزیر محترم آپ صورت پذیرفته است و آثار و پیامدهای نامطلوب آن متوجه کلیه پرسنل فرهنگی شاغل در متوسطه که توسط وزیر محترم آپ در سال ۱۳۷۰ ابلاغ گشته است (موضوع تبصره یک ماده یک آیین نامه طرح طبقه بندی مشاغل معلمان کشور - ص ۹۴ آیین نامه ابلاغی) با یکدیگر در آمیخته اند و با نهایت از یک سو ابقای دو ساعت افزایش سال ۶۱ و از سوی دیگر به انکار دو ساعت تقلیل سال ۷۰ (به رغم صراحت کاملاً مشهود و محرز قانونی) اصرار می ورزند!! به نحوی که در هر دو طرف ماجرا فقط و فقط به منافع یک طرفه و صرفاً مادی وزارت توجه می شود نه ارتقاء و بهبود رضایت شغلی به عنوان اصلی ترین عامل بهره وری و یا رعایت مصالح جامعه و دانش آموزان و نسل جوان مملکت! متأسفانه تشابه عددی دو ساعته و عدم تمایز این مطلب که در حال حاضر دو نوع دو ساعته معلق و بلا تکلیف در آموزش و پرورش وجود دارد (البته برای کسانی که تا به حال حکمی را از سوی شعبات مختلف دیوان عدالت اداری دریافت نکرده اند) بر وخامت اوضاع افزوده شده است و در این میان کسی هم پیدا نشده است که این سیاست یک بام و دو هوا را افشا کند و از دو تنظیم کنندگان سریال بی انتهای دایره تردید در آموزش و پرورش سوال نماید که اگر وزیر محترم آپ در سال ۶۱ را نسبت به تعدیل ساعات موظف صاحب اختیار می دانید چرا همین اختیار صرفاً برای همان وزیر قائل هستید و تمامی قوای خویش را بر انکار مصوبه وزیر محترم در سال ۷۰ مبنی بر تقلیل دو ساعته ویژه نیروهای لیسانس به بالای شاغل در مقطع متوسطه متمرکز ساخته اید و در صدد هستید که حق تعدیل ساعات را از ایشان سلب نمائید؟! چرا در حال حاضر این همه تلاش صورت میگیرد که با خلط این دو موضوع کاملاً منفک و مجزا حتی امر را در نظر قضات محترم دیوان نیز مخدوش سازید تا پس از به آوردن بهانه و اصدار احکام متناقض (شبهه آنچه در گزارش مسووت و چهار صفحه ای ضمیمه بخشنامه شماره ۷۱۰/۳۵ - ۸۵/۴/۲۷ خطاب به ریاست محترم دیوان منعکس کرده اید) موضوع را به نفع خود تفسیر و تعبیر نمائید و باز فرهنگیان را مجبور به تداوم شرایط موجود سازید؟! چرا چنین به نظر میرسد که این در این وزارتخانه دائماً تلاش می شود که از هر گونه ابهام در مقررات جاریه به گونه ای استفاده شود که به اتکاء آن بتوان پرسنل فرهنگی یکی دیگر از حقوق محرز و یکی دیگر از امتیازات مثبت محروم ساخت؟

به راستی با چنین عملکردی استقرار واحد حقوقی در درون چارچا سازمانی چه معنا و مفهومی پیدا



میکند؟ آیا با تمرکز شدن کلیه امکانات و قدرت اداری در حوزه ی ستادی باز هم واحد حقوقی این وزارتخانه می بایست به عنوان یک ابزار در اختیار آن حوزه و سیستم اداری وابسته به آن قرار گیرد و یا به بازاری توانمندی برای احیای حقوق همکاران فرهنگی تبدیل شود؟ در واقع چرا می بایست این همه اصرار بر پیامدهای تصمیم وزیر سال ۶۱ صورت پذیرد؟ آیا برخورد دو گانه با تصمیم مشابه به دو وزیر آن هم در یک وزارتخانه این ذهنیت را تقویت نمی کند که هدف اصلی واحد حقوق صرفاً تضمین منافع مادی از طریق تحمیل دو ساعت تدریس رایگان به فرهنگیان است نه دفاع از این وزیر؟ آیا شایسته نیست که برای تداوم فضای دوستانه و ترغیب همکاران به حداکثر معاضدت و همکاری با متولیان اداری تصمیم وزیر سال ۶۱ حتی بدون یک شکایت رسمی پرسنل فرهنگی راساً پس از رفع حالت اضطرار و حذف شرایط جنگی به صورت خود به خود از درجه ی اعتبار ساقط اعلام می گشت؟ به ویژه این که با عنایت به وجود نیروهای مازاد اکثر ادارات آپ این همه اصرار بر ابقای آن تصمیم ده ها مشکل اداری و شغلی و رفاهی را برای همکاران فرهنگی و سیستم اداری به ارمغان می آورد و این امر یکی از موارد روشن و ناگزیر است که علاج آن فقط و فقط در تجدید نظر اساسی در روند فعلی نهفته است. زیرا این همه برخورد متناقض با تصمیم دو وزیر در حالی که تقلیل دو ساعته ی وزیر آپ در سال ۷۰ که منظور ترغیب فرهنگیان به دانش افزایی و جذب نیروهای با تجربه علاقه مند از مقاطع دیگر به مقطع متوسطه و در نهایت حل مشکل بزرگ کمبود نیروی انسانی در این مقطع اتخاذ شده بود آثار و پیامدهای فوق العاده مطلوبی را در پی داشت و بسیاری از مشکلات مبتلا به نظام آموزشی بر طرف ساخت. ولی وزیر آپ در سال ۶۱ بخصوص پس از رفع شرایط جنگی به افزایش نارضایتی و ارسال شکوائیه های متعدد و بی سابقه به دیوان عدالت اداری هیچ گونه حاصل مثبتی را در پی نداشته است. مسلماً قضات دیوان عدالت اداری نیز دقیقاً با درک اهمیت موضوع و آثار و پیامدهای هر یک از دو تصمیم وزرای آپ مبادرت به صدور آراء موافق در لغو تصمیم وزیر آپ در سال ۶۱ ابقای تصمیم وزیر آپ در سال ۷۰ نموده اند. لذا وجود آراء مغایر با این امر صرفاً به دلیل گزارشات شبهه ناک واحد حقوقی و مشتبه کردن امر برای برخی از قضات دیوان بوده است، نه تشکیک در اصالت و اعتبار آرای موافق.

پس از صدور حکم شماره ۸۶۳-۸۵/۵/۵- از سوی شعبه یکم دیوان عدالت اداری مبنی بر تقلیل دو ساعت کار موظف هفتگی، این جانب خود متنوی صد من کاغذ سند محکمی در ناکارآمدی بوروکراسی اداری در حل مشکلات پرسنل تلقی می شود. ولی خوشبختانه با پی گیری های مجدانه و اصرار بر الزام اداره نسبت به اجرای رای صادره، بالاخره موجبات اجرای تام و کمال رای فراهم آمد و حق التدریس ساعات اضافی در سنوات قبل بر اساس مفاد مصرح رای صادره در اردیبهشت ماه سال جاری محاسبه و پرداخت شد. زیرا آرای صادره از سوی شعبات تجدید نظر دیوان عدالت اداری، تحت هیچ شرایطی به حالت تعلیق در نمی آید و حتی هیچ یک از محاکم قضائی حق هیچ یک از محاکم قضائی حق نقض آن را ندارد. لذا ادارات و سازمانهای طرف شکایت، ملزم به اجرای آن می باشند.

بنابر این با عنایت به اینکه قضات محترم شعبات مختلف در محاکم قضائی بر اساس اصل وحدت رویه ی قضائی هرگز نمی بایست در خصوص یک موضوع واحد و مشابه آرای متناقضی را صادر نمایند، شایسته است که با درایت مقامات عالییه قضائی در دیوان معزز عدالت اداری، رای وحدت رویه در باب هر دو موضوع که هیچ تردیدی در آثار و پیامدهای مطلوب و نامطلوب آن ها وجود ندارد، صادر گردد تا شباهت و تناقضات مرتفع گردد.

علی اکبر کیانی پناه دبیر منطقه ۱۵ تهران

آقای عباس معارفی زنجانی که از پیشکسوتان کانون صنفی معلمان می باشند و از طراحان اولیه پیشنهاد «انتخاب بودن مدیران» بودند در هفته نامه قلم معلم شماره ۳ تاریخ ۸۲/۸/۲۷ امتیازات تحقق مدیریت انتخابی را ۲۴ مورد ذکر کردند که مواردی از آن ذکر می گردد:

- ۱- سهولت در مدیریت
- ۲- تعامل صادقانه و کار آمدی معلمان و مدیران و نظارت بر کار هم.
- ۳- بالا رفتن قدرت مدیریت
- ۴- بالا رفتن بهره وری
- ۵- ایجاد روابط حسنه بین شاگردان، مدیران و معلمان
- ۶- آموزش دموکراسی
- ۷- جلوگیری از رانت خواری و بدآموزی
- ۸- فرصت دادن به مسئولان مناطق برای نظارت دقیق بر کار مدیران
- ۹- از بین رفتن ملاحظاتی بی مورد و سرپوش نهادن بر نواقص و کمبودها
- ۱۰- تمکین معلمان به انضباط اجتماعی
- ۱۱- نهادینه کردن قانون گرایی
- ۱۲- بالا رفتن اعتماد به نفس و اتکال به خدا

اعتماد سازی...

(ادامه از صفحه اول)

مسلماً اگر معلمان در انتخاب مدیران دخالت مستقیم داشته باشند حل مشکلات مدرسه با خرد جمعی و تشریک مساعی آسان تر خواهد بود.

مسئولیت همکاران در ارائه طرح ها و پیشنهادها افزایش می یابد، تبادل اطلاعات علمی و آموزشی بین همکاران رونق می گیرد و راهبردها و پیشنهادهای سازنده از طرف همکارانی ارائه می گردد که خود را در تصمیم ها شریک می دانند.

توافق گروهی بین معلمان و مدیران سبب راهبردهایی می شود که اکثر معلمان آن را مناسب می دانند و حتی کسانی که ممکن است با موضوع مورد بحث مخالف باشند اذعان دارند که به اندازه کافی حرفشان شنیده شده و فرصت تاثیر گذاشتن بر تصمیم گیری را داشته اند. تصمیم به اتفاق آراء، به طور نسبی وضعیت ایده آلی در تصمیم گیری قلمداد می شود و در این حالت تمام معلمان با تصمیم موافقت می کنند ولی باید توجه داشت فرایند توافق گروهی و تصمیم جمعی با روش منطقی و علمی صورت گرفته و در نتیجه کارهای مدرسه با شناخت و علم بیشتر انجام گرفته و بهترین روش ها اتخاذ می گردد و از اسراف و تبذیر جلوگیری می شود.

۱۳- رشد خلاقیت، ابتکار و نوآوری
۱۴- سوق دادن افراد به سوی فرهنگ مشارکت
با توجه به سخنان استاد معارفی مدیریت، تعلیم و تربیت انسان ها از دشوارترین و پرثمرترین کارهای آدمی است که به مدیریت آموزش و پرورش اهمیت خاصی داده است. زیرا مدیریت مطلوب در این نهاد از یک سو تبدیل انسان های خام به انسان های خلاق و رشد یافته و از سوی دیگر تامین کننده ی انسان های مورد نیاز جامعه است.
مدیران آموزشی زمانی موفق به اهداف آموزشی خواهند شد که مشارکت قانونمند و فعال معلمان را در نظر داشته باشند و گرنه به انسان هایی منفعل و بی تفاوت تبدیل خواهند شد.
مدیر باید بتواند روحیات معلم را شناخته و در صورت وجود مشکل آن را حل نماید و در نهایت برای جذب هدف و انگیزه معلمان تلاش کند. زمینه ی انتخاب مدیران از سوی معلمان یکی از بزرگترین و راهبردی ترین شیوه هاست.

بنابراین از آن دسته از مسئولان آموزشی که به دنبال لغو مصوب شورای عالی آموزش و پرورش می باشند خواهشمند است کاستی ها و مشکلات طرح را شناسایی و در جهت ارتقا بخشیدن آن تلاش کنند.

محمد خاکساری

khaksarig.2@yahoo.com

انتصاب اعضای کارگروه آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در آموزش و پرورش

با انتصاب اعضای کارگروه آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه توسط وزیر آموزش و پرورش، این کارگروه برای اولین در این وزارتخانه تشکیل شد. به گزارش ایلنا، طی احکامی از سوی فرشییدی، غلامرضا عسگری، مدیرکل حراست، مهندس محمدرضا محدث خراسانی، معاون برنامه ریزی و توسعه مدیریت، بهروز محمدقلی‌ها، مدیرکل دفتر توسعه مدیریت فناوری و تحول اداری، فتاح ختار، مدیرکل دفتر هماهنگی هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری، عباس رهی، مشاور وزیر و مدیرکل دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات و سیدابراهیم حسینی، معاون دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات به عنوان اعضای این ستاد منصوب شدند. همچنین طی حکم جداگانه‌ای از سوی فرشییدی حسین پاک سرشت به مدت ۴ سال به عنوان مدیرکل پشتیبانی منصوب شد.



رسول پورزمان عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس:

مدیرکل امور اداری وزارت آموزش و پرورش:

۳۵ هزار نفر از فرهنگیان بازنشسته شدند

مدیرکل امور اداری وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: ۳۵ هزار نفر از فرهنگیان امسال بازنشسته شده‌اند و در مقابل حدود ۱۷ هزار ردیف استخدامی دریافت شده است. «علیرضا براتیان» در گفت و گو با خبرنگار ایرنا در سمنان افزود: تفاوت نیروهای خارج شده و با ردیفهای اختصاصی همواره موجب شده است تا این وزارت خانه با کمبود نیروی انسانی مواجه باشد. وی با تأکید بر اینکه در جذب نیروی انسانی اولویت در این وزارت خانه با استخدام نیروهای حق‌التدریسی است اظهار داشت: برای جذب این نیروها امسال پیشنهادهایی به دولت داده شده است. براتیان گفت: اختصاص ردیف‌های استخدامی به نیروهای حق‌التدریسی و اختصاص مازاد بر ردیف‌ها که بین پنج تا شش هزار نفر می‌شود به این افراد از جمله این پیشنهادها است. وی با اشاره به وجود ۵۶ هزار نفر نیروی حق‌التدریسی در کشور گفت: با اختصاص اولویت به این نیروها در جذب افراد با استفاده از سهمیه مختلف نیز اولویت با نیروهای حق‌التدریسی است که از این طریق تاکنون ۳۶ درصد از این نیروها جذب شده‌اند.

ساختار آموزش و پرورش نیازمند تغییرات اساسی است

خبرگزاری فارس: عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اسلامی گفت: در ساختار آموزش و پرورش باید تغییرات اساسی صورت گیرد و همزمان با آن آموزش عالی نیز متحول شود. به گزارش خبرگزاری فارس از نقره، رسول پورزمان امروز در همایش فعال‌سازی شورای معلمان مدارس جنوب آذربایجان غربی در نقره افزود: آموزش و پرورش از دوران قبل از انقلاب به صورت سنتی اداره شده است و تحول در سیستم ضروری است. وی تصریح کرد: معلمان و اساتید باید مطالعات کارشناسی، نظرات و داده‌های علمی را با توجه به پیشرفت‌های علمی روز و تحولات سریع جهان امروز به کار گروه‌ها و کمیسیون آموزش مجلس ارائه دهند. پورزمان، تحقیق و تفحص در کتب درسی، صندوق ذخیره فرهنگیان و نظام هماهنگ حقوق و مزایای شاغلان و بازنشستگان را از موضوعات مهم مطرح شده در مجلس عنوان کرد. وی همچنان بر مشارکت دادن خانواده‌ها در امر آموزش و پرورش، راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی در استان و شهرستان و دقت نظر در تعیین مدیریت‌ها تأکید کرد. همایش فعال‌سازی شورای معلمان مدارس جنوب آذربایجان غربی، با حضور ۲۵۰ نفر از مدیران، معلمان و اعضای شوراهای معلمان برگزار و طرح‌ها و پیشنهادهای ساختاری تحول‌گرا با توجه به نیاز امروز جامعه ارائه شد.

تأثیر وسایل ارتباط جمعی در آموزش و پرورش

توسعه‌ی آموزش و پرورش در گرو شکل گرفتن زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی گسترده و موثر است. در نتیجه نقش مطبوعات به عنوان یکی از سیستم‌های نظام ارتباطی روز به روز مهم‌تر و حساس‌تر می‌شود.



سه میلیون دانش آموز لازم‌التعلیم نمی‌توانند به مدرسه بروند

هستند و نمی‌توانند از خدمات مستقیم آموزش و پرورش استفاده کنند، باید از طریق آموزش از راه دور، آموزش‌های لازم را فراگیرند. وی اضافه کرد: در سطح کشور بیش از ۱۳ میلیون فرد کم‌سواد بین ۱۱ تا ۴۵ سال نیز وجود دارد. نیازی گفت: در برنامه چهارم توسعه، آموزش و پرورش موظف است؛ پوشش تحصیلی مقطع راهنمایی را کامل کند و مقطع متوسطه را تا ۸۸ درصد افزایش دهد.

سه میلیون نفر دانش آموز لازم‌التعلیم ۱۱ تا ۱۷ سال در کشور وجود دارد که به دلایل محیطی، جسمی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین دسترسی نداشتن به مدرسه، امکان جذب آنان در آموزش و پرورش وجود ندارد. به گزارش ایلنا، فتاح نیازی، معاون آموزشی موسسه آموزش از راه دور در نشست یک روزه آموزش مدیران آموزش از راه دور، افزود: کسانی که امکان جذب آنان در آموزش و پرورش وجود ندارد یا در زمره افراد کم‌سواد

هفته نامه قلم معلم

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول

محمد خاکساری

سردبیر: ثریا دارابی

مدیر اجرایی: علیرضا اکبری

دبیر صفحه خبر: علیرضا اکبری

دبیر صفحه فرهنگیان: حمید پور وثوق

دبیر صفحه اجتماعی: بهاره خاکساری

دبیر صفحه ادب و هنر: رسول بدایق

دبیر صفحه مصاحبه و گزارش: ابراهیم گودرزی

دبیر صفحه اندیشه: علی اکبر باغانی

دبیر سرویس تشکلهای صنفی معلمان: محمد خاکساری

همکار این شماره: عبدالرحمان ایران نژاد

تلفکس: ۲۲۷۳۹۷۵۵

همراه: ۰۹۱۲۱۰۹۲۹۳

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۳۵۴۳

چاپ: نشر و چاپ تهران

email: g_moallem@yahoo.com

www.ghalamemoallem902.blogfa.com

تعمیر

سرمشق زندگیست



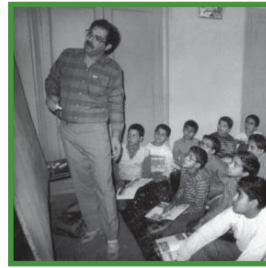
تشکل های صنفی معلمان ایران



اندیشه



مصاحبه و گزارش



فرهنگیان

آغاز ماه مهر و مهر ورزی، رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و هفته دفاع مقدس گرمی باد.

قیمت ۱۵۰ تومان

صفحه ۸

سه شنبه ۴ مهر ۸۵ - شماره ۱۹ - دوره جدید

هفته نامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

رسول پورزمان عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس:

ساختار آموزش و پرورش نیازمند تغییرات اساسی است

صفحه ۲

صندوق ذخیره فرهنگیان کی بار می دهد؟!

صفحه ۴

تقلیل دو ساعت کار موظف معلمان

صفحه ۸

سه میلیون دانش آموز لازم التعلیم نمی توانند به مدرسه بروند

صفحه ۲

مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش:

۳۵ هزار نفر از فرهنگیان بازنشسته شدند

صفحه ۲

اعتماد سازی با اجرای مدیریت انتخابی

شورای عالی آموزش و پرورش در مصوبه شماره ۷۶۳ تاریخ ۸۷/۷/۲۲ دستورالعمل مدیریت انتخابی به کلیه واحدهای آموزشی صادر نمود. این طرح در سال ۸۳ در مدارس اجرا گردید گرچه در این طرح اشکالات شکلی و محتوایی وجود دارد که باید اصلاح گردد ولی در کل از این که معلمان خود را در امور مدرسه دخیل می دانند دارای نقاط مثبتی است. ولی متأسفانه خبرهایی به گوش می رسد که برخی از مسئولان آموزش و پرورش به دنبال لغو این مصوبه هستند.

در ملاقاتی که تشکل های صنفی فرهنگیان با تعدادی از مسئولان برنامه و بودجه داشتند، اعتقاد آنان بر این بود که یکی از مشکلات کلان کشور نبود مدیریت انسانی است یعنی در دو حالت مدیریت نقش به سزایی دارد. در دنیای امروز نقشی که نیروی انسانی در توسعه اقتصادی و اجتماعی یک جامعه دارد نقشی تعیین کننده است.

توجه نکردن به سرمایه گذاری مناسب و مطلوب در این زمینه آموزشی و فرهنگی وضعیت بحرانی را برای جامعه ترسیم خواهد کرد. مشارکت معلمان در تصمیم گیری های مدرسه، ایجاد روابط عادلانه و رفع تبعیض ناروا بین آن ها، رشد و تعالی هر یک از همکاران فرهنگی در محیط کار، جلوگیری از خودبینی و خود محوری، اندیشیدن معلم به توسعه مدرسه و ایجاد تکریم، سازندگی و خلاقیت را در پی خواهد داشت.

صفحه ۳



بازگشایی مدارس و آغاز مهر ورزی

خواهد داد.

سرمقاله

هر ساله با نواختن زنگ و شروع سال تحصیلی، مدارس کشور بالیدن و آغاز باشکوه خود را به رخ تابستان گرم و صمیمی ایران می کشد و فرهنگیان آزاده و فرهیخته کلاس های مهرورزی را با نغمه های طراوت انگیز معنویت، عدالت گستری و علم جویی آغاز می کنند تا خدمت به دانش آموزان ایران زمین را با پیشرفت و تعالی علمی، مادی، معنوی و عدالت جویی هماهنگ سازند و با درک عمیق و فعال کردن فضای آموزشی، تربیتی و فرهنگی به شناخت عوامل عقب ماندگی ایران و علل پیشرفت جوامع صنعتی و مدرن نایل آیند.

با این امید که اعتماد به نفس و خود باوری و اندیشه ورزی فرهنگیان، معلمان و دبیران به روند رشد و تعالی، توسعه و پیشرفت کشور که جامعه ای بر اساس علم و تمدن اسلامی است، کمک کرده و دین باوری و عالمانه زیستن ما را به سر منزل مقصود رهنمون شود.

توجه به پرسشگری، توانایی نقد و تحلیل پدیده ها، ایجاد تعامل منطقی همراه با شادابی و نشاط در مدارس، ترویج تحقیقات و پژوهش های کاربردی، میدانی، آزمایشگاهی و کارگاهی، گسترش روح معنویت و پرورش استعداد های درخشان و سرآمد، ملت شریف ایران و جامعه فرهنگی را در آستانه تحولات شگرف و جهانی قرار

شعار خویش را النجاه فی الصدق می دانند چگونه به وعده های پنج گانه داده شده در مجلس شورای اسلامی که به وسیله آن بر کرسی وزارت تکیه زدند بی اعتنائند.

مهر آغاز گردید و معلمان در شهرستان ها و روستاها مسیر های صعب العبور و سخت را بدون سرویس ایاب و ذهاب و رفتن به مناطق محروم طی خواهند کرد و در مدارس کپری و زاغه های آموزشی دو باره به آموزش عدالت و برابری خواهند پرداخت؟

مهر آغاز می گردد و معلمان دو شغله و سه شغله برای گذران سخت زندگی با مشکلات فراوانی روبرو خواهند گردید و برای سرخ کردن صورت فرزندان خویش و فراهم آوردن معیشت آنان به مسافر کشی در آژانس ها، کارهای ساختمانی، آرایشگری، مغازه داری، تزیینات، گل دوزی و آرایشگاههای خصوصی و فروشگاههای مختلف مشغول شده و هنوز هم با نگاهی به آینده از خداوند می خواهند که نگرش دولتمردان را به تحولات جهانی و فرهنگ غنی ایران و اسلام در آموزش و پرورش تغییر دهد تا بتوانند در عرصه جهانی از دیگر کشور ها باز نمانند.

علی اکبر باغانی - نایب رییس کانون صنفی معلمان ایران

بدینوسیله اعلام می گردد گزارش «قلم معلم به خانواده ی مطبوعات بازگشت» که در شماره ۱۸ چاپ شد توسط آقای رسول بدایقی تهیه شده که متأسفانه نام وی از قلم افتاده بود که از ایشان عذر خواهی می شود.